

ساکس، اولیور، ۱۹۳۳-۲۰۱۵ م.

Sacks, Oliver, ۱۹۳۳-۲۰۱۵

توهمات / نویسنده الیور ساکس؛ مترجم عهدیه عبادی؛

ویراستار دکتر فریبا خداقلی. / سایلاو ۱۴۰۱

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۲۴-۳۹-۲

یادداشت: عنوان اصلی: c۲۰۱۲, Hallucinations

مجموعه مطالعات میان رشته‌ای، قفسه جهان مغز.

Hallucinations and illusions موضوع:

Cognition disorders – Perceptual disorders

موضوع: وهم و خیال - اختلالات شناختی - ادراک -- اختلالات

شناسه افزوده: عبادی، عهدیه، ۱۳۵۷ -، مترجم

رده بندی کنگره: RC ۵۵۳ رده بندی دیویی:

۶۱۶/۸۹ شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۰۹۹۳۹

کلید حقوق مادی و معنوی این اثر برای نشر سایلاو محفوظ است.

برداشت بخشی از این اثر، صرفاً با اجازه کتبی از نشر سایلاو میسر است.

عنوان: توهمات

نویسنده: الیور ساکس

مترجم: عهدیه عبادی

ویراستار: دکتر فریبا خداقلی

انتشارات: سایلاو / نوبت چاپ: اول ۱۴۰۱

تیراژ: ۱۳۰۰ نسخه

صفحه آرا: سید مهدی احتشام حسینی

چاپ و صحافی: ترانه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۲۴-۳۹-۲

نشانی: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، نبش لبافی

نژاد غربی، پلاک ۲۱۱ / واحد ۳

تلفن: ۰۲۱-۶۶۱۳۸۶۴۱

یونیکورم ثابت جلد کتاب‌های سایلاو و متحصراً برای استفاده سایلاو

طراحی شده است و امکان کپی برداری از آن وجود ندارد.



فهرست مطالب

۱۱	در ستایش کتاب
۱۳	مقدمه
	فصل اول
۱۹	جماعت خاموش؛ سندرم شارل بونه
	فصل دوم
۵۱	سینمای زندانی؛ محرومیت حسی
	فصل سوم
۶۱	چند نانوگرم شراب؛ بوهای توهم
	فصل چهارم
۶۹	چیزهای شنیدنی
	فصل پنجم
۹۱	خیالات پارکینسونیسم
	فصل ششم
۱۰۷	احوال دگرگون
	فصل هفتم
۱۳۹	طرح‌ها؛ میگردن‌های دیداری



فصل هشتم

۱۵۱

بیماری «مقدس»

فصل نهم

۱۸۱

دو نیم شده؛ توهم در نیمه میدان بینایی

فصل دهم

۱۹۷

روان آشفته

فصل یازدهم

۲۱۵

در آستانه خواب

فصل دوازدهم

۲۳۵

حمله خواب و بختک

فصل سیزدهم

۲۴۷

ذهن شب زده

فصل چهاردهم

۲۷۳

همزاد؛ توهم خود

فصل پانزدهم

۲۹۱

اندام های خیالی، سایه ها و ارواح حسی

۳۱۲

منابع

مقدمه

در اوایل قرن شانزدهم که کلمه «توهم» برای نخستین بار به کار گرفته شد، تنها به معنای «ذهن سرگردان» بود. در دهه ۳۰ قرن نوزدهم اما روان‌پزشکی فرانسوی به نام ژان اتین اسکیرول^۱، این اصطلاح را در معنای امروزی آن بیان کرد- تا پیش از آن، چیزی که ما اکنون توهم می‌نامیم صرفاً با عنوان «ظهور اشباح» مورد اشاره قرار می‌گرفت. در تعاریف دقیق از کلمه «توهم» هنوز تفاوت چشمگیری وجود دارد، بیشتر به این دلیل که تشخیص مرز بین توهم، خطای ادراکی و خیالات همیشه آسان نیست. اما به طور کلی، توهم ادراکی است که در غیاب هرگونه واقعیت بیرونی ایجاد می‌شود- به عبارتی، دیدن یا شنیدن چیزهایی که وجود خارجی ندارند.^(۱)

ادراکات را تا اندازه‌ای می‌توان به اشتراک گذاشت- من و شما می‌توانیم در مورد وجود یک درخت توافق داشته باشیم. اما اگر من بگویم، «در آنجا درختی می‌بینم» و شما چنین چیزی نبینید، «درخت» من را توهم خواهید دانست، چیزی که ساخته‌ی مغز یا ذهن من است و برای شما یا هرکس دیگری قابل ادراک نیست. البته توهمات از نظر شخص متوهم بسیار واقعی به نظر می‌رسند، چراکه می‌توانند ادراک را از هر لحاظ تقلید کنند و این تقلید از نحوه نمایش آن‌ها در دنیای بیرونی شروع می‌شود.

توهمات معمولاً تکان‌دهنده هستند. گرچه دلیل این امر گاهی محتوای

آن‌هاست - مثلاً عنکبوتی غول‌پیکر در وسط اتاق یا آدم کوچولوهای شش اینچی - اما، دلیل اساسی‌ترین است که هیچ «اعتبار توافقی» در مورد آن‌ها وجود ندارد. چیزی که شما می‌بینید را هیچ کس دیگری نمی‌بیند، بنابراین از پی بردن به اینکه احتمالاً عنکبوت غول‌پیکر یا آدم کوچولوها در ذهن شما هستند، یکه خواهید خورد.

وقتی تصاویر معمولی - از یک مستطیل یا چهره یک دوست یا برج ایفل - را در ذهن تداعی می‌کنید، این تصاویر در ذهن شما باقی می‌مانند. آن‌ها مانند توهم در فضای بیرونی نمایش داده نمی‌شوند و فاقد کیفیت دقیق ادراک یا توهم هستند. شما این تصاویر اختیاری را فعالانه ایجاد می‌کنید و می‌توانید آن‌ها را به میل خود اصلاح کنید. در مقابل، در مواجهه با توهمات منفعل و درمانده هستید، چراکه به صورت غیرارادی رخ می‌دهند - یعنی هر زمان که بخواهند ظاهر یا ناپدید می‌شوند، نه هر زمان که شما بخواهید.

حالت دیگری از توهم نیز وجود دارد که گاهی توهم کاذب نامیده می‌شود. در این حالت، توهم در فضای بیرونی به نمایش در نمی‌آید، اما به تعبیری درون پلک‌های شخص دیده می‌شود - چنین توهمات معمولاً در حالت‌های نزدیک به خواب و با چشمان بسته رخ می‌دهند. اما این توهمات درونی از همه نشانه‌های دیگر توهم برخوردارند، غیرارادی و غیرقابل کنترل هستند و ممکن است کاملاً برخلاف تصویرسازی دیداری معمولی، دارای رنگ‌ها و جزئیات غیرطبیعی یا ماشکال و دگرگونی‌های عجیب باشند.

توهمات می‌توانند با خطای ادراکی یا خیالات همپوشانی داشته باشند. اگر من با نگاه کردن به چهره فردی فقط نیمی از صورت او را ببینم، این خطای ادراکی است. در موقعیت‌های پیچیده‌تر، این تمایز وضوح کمتری پیدا می‌کند. اگر به کسی که روبروی من ایستاده نگاه کنم و نه فقط یک چهره، بلکه پنج چهره یکسان پشت سر هم ببینم، این «چندبینی» خطای ادراکی است یا توهم؟ اگر فردی را ببینم که از سمت چپ به سمت راست اتاق می‌رود، سپس ببینم که بارها و بارها دقیقاً همان مسیر را طی

می‌کند، این نوع تکرار («پالینوپسی»^۱) انحراف ادراکی است؟ توهم است؟ یا هر دو؟ معمولاً اگر در ابتدا چیزی مثل یک چهره انسانی وجود داشته باشد، چنین چیزهایی را خطای ادراکی یا خیالات تلقی می‌کنیم، در حالی که توهمات غفلت‌آور ناگهانی ظاهر می‌شوند. اما بسیاری از بیماران من توهمات، خیالات و خطاهای ادراکی پیچیده‌ای را تجربه می‌کنند و گاهی تشخیص مرز بین این‌ها دشوار است.

گرچه احتمالاً پدیده توهم قدمتی به اندازه مغز انسان دارد، اما درک ما از این پدیده تنها طی چند دهه اخیر افزایش قابل توجهی پیدا کرده است.^(۲) این دانش جدید، خاصه از توانایی ما در تصویربرداری از مغز و پایش فعالیت‌های الکتریکی و متابولیک آن در زمان توهم افراد ناشی می‌شود. چنین تکنیک‌هایی در کنار مطالعات کاشت الکتروود (در بیماران مبتلابه صرع مقاوم به درمان که نیاز به جراحی دارند)، امکان تعیین بخش‌هایی از مغز که مسئول انواع توهمات هستند را به ما می‌دهند. به عنوان نمونه، منطقه‌ای در قشر گیجگاهی تحتانی راست^۳ که معمولاً در درک چهره‌ها مداخله می‌کند، اگر به طور غیرطبیعی فعال شود می‌تواند باعث توهم افراد در مورد چهره‌ها شود. منطقه متناظری در سوی دیگر مغز وجود دارد که معمولاً برای خواندن به کار گرفته می‌شود؛ منطقه شکل دیداری واژگان در شکنج دوکی شکل^۲. اگر این منطقه به طور غیرطبیعی تحریک شود، می‌تواند توهم حروف یا شبه کلمات را به دنبال داشته باشد.

برخلاف علائم منفی، نقص‌ها یا زیان‌های ناشی از تصادف یا بیماری که مبنای کلاسیک عصب‌شناسی را تشکیل می‌دهند، توهمات پدیده‌هایی «مثبت» محسوب می‌شوند. پدیدارشناسی توهم اغلب به ساختارها و سازوکارهای مربوطه مغز اشاره دارد و بنابراین، به طور بالقوه می‌تواند بینش کامل‌تری از کارکرد مغز ارائه دهد.

توهمات همواره در زندگی فکری و فرهنگ ما از جایگاه مهمی برخوردار بوده‌اند.

1. Palinopsia
2. right inferotemporal cortex
3. fusiform gyrus